

اردشیر منظم، دوبلور و گوینده که اجرای بخش «خارج از چهارچوب» برنامه «سفر بخیر» را بر عهده دارد، می‌گوید: برنامه سفر بخیر از جمله برنامه‌هایی است که در حوزه فرهنگ‌سازی جدید، طرح‌های جالبی دارد.

وقتی تهیه‌کننده برنامه از من دعوت به عمل آورد تا مجری یکی از آیتم‌های این برنامه باشم، خوشحال شدم، چون احساس کردم این برنامه فرصتی برای ارائه طرح‌های

روایت «سفر بخیر» خارج از چهارچوب

ندا حسینی
آگرو رسانه

بهار نوحیان، بازیگر مجموعه «فراری» است که این روزها از شبکه یک سیما پخش می‌شود. او از جمله بازیگران بی حاشیه وگزیده‌کاری‌است که به‌دلیل چهره خاص و آرام خود معمولاً نقش‌های مثبت را به او می‌سپارند اما حضور او اکنون در سریال فراری متفاوت‌تر از سابقه پیشین بازیگری‌اش به‌ویژه در سریال‌های تلویزیونی است. او نقش مادر یک نوجوان را دارد که سنگ دخترش را به سینه می‌زند و در این میان شیطنت‌های خاصی از خود نشان می‌دهد و با این‌که این نقش با سوابق قبلی‌اش متفاوت است اما بازی باورپذیری ارائه داده است. با این بازیگر گپ زدیم که در ادامه می‌خوانید.

آیا چه شده که بافراری‌ها همراه شدید؟

سابقه آشنایی و همکاری من با امیر داسارگر، کارگردان مجموعه تلویزیونی فراری به فیلم سینمایی پرواز ممنوع بازمی‌گردد که در آنجا هم پسر نوجوانی داشتم و به واسطه آن همکاری به این سریال دعوت شدم. در این مجموعه خاله نوجوان نقش اصلی هستم.

آیا توجه به سابقه مشابهی که اشاره کردید، نقش نرگس چه جذابیت‌ها و ویژگی‌هایی برای شما داشت؟

برخلاف اغلب نقش‌هایی که بیشتر آنها را بر عهده گرفته‌ام، این نقش صدردصد مثبت نبوده و شیطنت‌های زنانه و کمی منفی در او دیده می‌شود. از این رو نقش برای من جذاب بود و سعی کردم این نقش را متفاوت‌تر از قبل بازی کنم. متأسفانه به‌دلیل مشغله کاری، فرصت کافی برای دیدن سریال نداشتم. به همین دلیل نمی‌دانم در بازی این نقش با آن خصایص

اخلاقی، چقدر موفق بوده‌ام.

با وجودی‌که حضور

جدید است که به حوزه ترافیک و فرهنگ‌سازی جدید و در نهایت آموزش لایه‌های جدید به شیوه طنز کمک بسیاری خواهد کرد. آیتم خارج از چهارچوب حدود یک ماه است که به برنامه سفر بخیر اضافه شده و اجرای آن را به من واگذار کرده‌اند.

به نظر من این برنامه قابلیت آن را دارد که پیام‌های کوتاه آموزشی را به شیوه طنز به مردم منتقل کند و برای تحقق این

در گفت‌وگو با بهار نوحیان، بازیگر نقش نرگس مطرح شد

زنی با زبان نیش دار و دلی مهربان

من در مجموعه فراری خیلی زیاد نیستم اما فرصتی برای من فراهم شد تا نقش متفاوت با مایه‌های طنز را تجربه کنم و یک مادر جوان شوخ طبع با شیطنت‌های خاص را به نمایش درآورم؛ مادری که زناش نیش دارد اما در دل او چیزی نیست. هرچند گاهی نیش‌گونی از دوروبری‌های خود می‌گیرد اما ته دلش همه را دوست دارد.

آیا از محصل کار رضایت دارید؟

من از همکاری با تیم آقای زین‌العابدین و آقای داسارگر و سایر عوامل گروه بسیار خرسند هستم. رفتار محترمانه و صمیمانه گروه، باعث ایجاد احساس آرامش و امنیت در کار بود. خدا را شکر می‌کنم که فرصتی شده که بتوانم مجدداً از آنها تشکر کنم.

آیا معمولاً به واسطه نقش‌هایی که بازی می‌کنید، چه بازخوردی از مردم و مخاطبان می‌گیرید؟

وقتی من جایی می‌روم و با مردم برخورد می‌کنم، اغلب اظهار می‌کنند که یک بازیگر در فلان مجموعه هست که خیلی شبیه من است، من هم از آنها می‌پرسم به نظراتان آن بازیگر چگونه بازیگری‌است و آیا از عهده ایفای نقش خود برآمده است یا خیر؟ مخاطبان بدون این‌که بدانند، من خود آن بازیگر هستم، معمولاً نظر مثبتی داشته و شکر خدا باری من را دوست دارند. بعد از دقایقی معمولاً در پایان برخورد، اعتراف می‌کنم که آن بازیگر خود من هستم.

آیا توجه به این‌که ما شما را معمولاً در نقش‌های خوب و معصوم بیشتر دیده‌ایم. خودتان بیشتر به چه نوع نقش‌هایی گرایش دارید؟

بیشتر تجربه نقش منفی جدی را در فیلم سینمایی خنده‌های آتوسا به کارگردانی علیرضا فرید تجربه کرده‌ام که، با بازیگرانی چون محمدرضا فروتن، باران کوثری و امیر جدیدی همکاری داشته‌ام. البته مثبت یا منفی بودن نقش برای من بازیگر خیلی اولویت ندارد، آنچه مهم است عمیق بودن یک نقش است. نقش‌های لایه‌های متفاوتی دارد، رنگ دارد، مونوتن و یکنواخت نیست و من بازیگر می‌توانم آن نقش را در خود به چالش بکشم. گاه بازی‌کردن نقش یک مادر خوب هم می‌تواند چالش برانگیز باشد؛ چراکه خوب بودن یک امری نسبی است. مثل همه آدم‌های دنیای واقعی که صرفاً خوب یا مطلق نیستند.

در این صورت همین نقش مثبت نیز دوست داشتنی است؛ چون هر سکانس آن متفاوت است و بازی در آن نقش، تنوع دارد و با احساسات مختلف توأم است؛ چراکه من بازیگر تمایل دارم بازی متفاوتی ارائه دهم. برخلاف تصور که بازی‌کردن نقش‌های منفی از نقش‌های مثبت سخت‌تر است، من معتقدم رنگ‌وبویی که به نقش داده می‌شود و تغییراتی که بازیگر می‌تواند در جزئیاتی هرچند کوچک در مورد شخصیتی که به نمایش می‌گذارد، ایجاد کند، آن نقش را سخت‌تر و در نتیجه دارای عمقی بیشتر می‌کند. در نتیجه تمایل من به بازی‌های چندلایه، بیشتر است و سعی کردم هیچ‌کدام از نقش‌هایی که ایفا کردم، تکرار نشود.

آیا از میان کارهای تلویزیونی که تاکنون داشته‌اید، کدام یک را بیشتر می‌پسندید؟

در میان برنامه‌های تلویزیونی،

امر نیازمند افرادی است که ایده‌های جذاب و مفید ارائه دهند و همچنین حمایت‌هایی تا این نوع برنامه‌ها تداوم داشته باشد.

وی ادامه می‌دهد: از آنجا که قوانین راهنمایی و رانندگی به اشکال و طرق مختلف در حال تغییر و تحول است، می‌توان را مقوله‌های آموزشی جدید که برای مخاطبان از جذابیت بیشتری برخوردار است، استفاده کرد.



برنامه‌ای به نام «ناگهان حسین» به تهیه‌کنندگی سیداحمد موسوی که برای شبکه آموزش تولید شده بود، من به عنوان یکی از راویان، به آن برنامه دعوت شدم و واقعه کربلا را به زبان دیگر و با ادبیات خاصی روایت می‌کردیم. حس خاص برنامه و دلی بودن متن‌های آن بسیار مورد پسند من قرار گرفت و جزو کارهای مورد علاقه من در تلویزیون است. «سفید، سیاه، خاکستری» که اولین کار من در تلویزیون و اولین تجربه بازیگری من برای شبکه دو سیما بود نیز جزو کارهای مورد علاقه‌ام است. کارگردان آن زنده‌یاد سیامک شایقی بود که در سال ۱۳۷۶ من را در ۱۸ سالگی، وقتی از بازیگری چیزی نمی‌دانستم، به آن مجموعه دعوت کرد. هر لحظه آن سریال برایم خاطره است. طوری که هنوز با یادآوری آن بغض گلویم رامی‌فشارد؛ بغضی ناشی از نبود هنرمندان کربل‌د و انسانی درست به نام سیامک شایقی که آرتیستی به تمام معنا بود و من بسیار از او آموختم. آنجا اولین بار بود که خود را در قامت بازیگر در قاب دیدم و بسیار تجربه و درس آموختم. هنوز بعد از سال‌ها می‌گویم که در بازیگری سیری کردم، گاهی که یاد آن روزها می‌افتم که برای اولین بار جلوی دوربین رفتم، هیجان زده می‌شوم.

آیا یکی از خاطره‌انگیزترین آثار شما سفید، سیاه، خاکستری است که به نوعی اولین تجربه تلویزیون‌تان به حساب می‌آید. مسیر همکاری با تلویزیون را چگونه طی کردید؟

چند عامل در آشنایی من با عوامل این مجموعه و زنده‌یاد سیامک شایقی دخیل بود؛ اول این‌که ما خانه‌مان را برای رهن و اجاره گذاشته بودیم و عوامل سریال قرار بود از خانه ما به عنوان لوکیشن کار بازدید کنند. دوم این‌که فیلمبردار کار آقای فرهاد تریا همسایه ما بود و به گروه گفته بود که خانه ما در همسایگی اوست. عوامل بعد از این‌که برای بازدید آمدند، خانه را نپسندیدند ولی از من برای حضور در آن مجموعه دعوت کردند. خدا را همیشه شکر می‌کنم که خانواده‌ام همیشه در این مسیر همراه و حامی من بوده‌اند و از دعوت من برای آن کار استقبال کردند. به‌نوعی این تقدیر من بود که اینچنین در جریان حرفه بازیگری قرار بگیرم و در دانشگاه تئاتر بخوانم؛ چه بسا اگر آن اتفاق و آن برخورد در آن روز رخ نمی‌داد، من در رشته دیگری تحصیل می‌کردم و شغل دیگری برمی‌گزیدم؛ چراکه در دبیرستان رشته تجربی خوانده‌ام و هنوز نمی‌دانم که آیا این تقدیر موجب خوشبختی من شده است یا نه. چون گاهی موسیقی با نقاشی هم برایم اهمیت پیدا می‌کند، چراکه هدف من از نوجوانی تاکنون دیده‌شدن نبود. هدفم، انجام دادن کاری هنری است که برایم لذت‌بخش باشد. اکنون بازیگری برای من همه چیز است. بازیگری برای من لذت‌بردن از کشف احساسات درونی آدم‌هایی است که هیچ‌گاه شاید در تمام طول زندگی نتوانیم تجربه آنها را زیست کنیم.

آیا فکر می‌کنید به نوعی این راهی است برای شناخت بهتر از خود؟ آیا در مورد بازی خود و مسیری که پیش می‌روید، نگارنید؟

من سال‌هاست که در این مسیر قدم گذاشتم و سعی کردم بهترین خودم باشم. بازیگری نه تنها برای من، برای خیلی‌های دیگر از همکارانم مسیری روشن ندارد، زیرا بازیگری می‌تواند در سال‌هایی پرکار باشد و در سال‌هایی کارهای کمی داشته باشد. به همین

دلیل هیچ‌وقت دست از تلاش برنداشتم و حتی بعد از ۳۰ سال تجربه همچنان برای هر نقشی سخت کار می‌کنم و حتی اگر نیاز باشد تست بازیگری هم می‌دهم. نمی‌دانم گله کنم یا خوشحال باشم اما همیشه سعی کردم به خاطر توانمندی خودم برای کاری انتخاب شوم، نه به سفارش کسی.

آیا الان این‌گونه نیست و خیلی از بازیگران نوجوان حاضر نیستند چنین سختی‌هایی را تحمل کنند؟

چون من و امثال من با سختی و مشقت به جایگاه کنونی خود رسیده‌ایم، ولی شاید بقیه به راحتی این مسیر را طی کرده‌اند و مثلاً با یک معرفی و یک معرف، نقش خوب و خاصی می‌گیرند. چون من برای کارم زحمت کشیده‌ام و به سختی آن را به دست آورده‌ام، حفظ این جایگاه و این حرفه

برایم ارزشمند است؛ چراکه برای جایگاهی که الان دارم و در آن ایستاده‌ام عمرم را گذاشته و مشقت کشیده‌ام و حاضر نیستم به راحتی چیزی را که سال‌ها ساخته‌ام، از بین ببرم. من در این ۴۷ سال زندگی از وقتی که در ۱۸ سالگی وارد فضای بازیگری شدم، مسیر دیگری را تجربه نکرده و همه ۳۰ سال تجربه را صرف بازیگری کرده‌م.

آیا با توجه به این‌که در دانشگاه تئاتر خوانده‌اید، آن فضا را چگونه می‌بینید و به گسترش فعالیت خود مثلاً در زمینه تولید یا کارگردانی فکر کرده‌اید؟

تئاتر همیشه خانه اول من است و دلم برایش تنگ می‌شود. کسانی که یک بار آن را تجربه کرده باشند، بعداً است این نقطه اتصال را به راحتی فراموش کنند. برای من نیز همین طور است اما هر گاهی دلم می‌گیرد، در سینما به واسطه این‌که بحث فروش مطرح است تا هزینه‌های قابل توجهی که برای یک فیلم می‌شود، بازرگردد، گاهی نیاز است تا از یک استار یا چهره زنیارو استفاده شود، اما وقتی این تصمیم را برای تئاتر هم می‌بینم کمی نگران و ناراحت می‌شوم. برای خودم من پیش آمده که دو ماه نقشی را هر روز تمرین کرده‌ام، ولی دو یا سه هفته قبل از اجرا به راحتی حذف شده‌ام و آن نقش را به یک چهره نوظهور که مدتی است مورد توجه قرار گرفته، داده‌اند و بدون این‌که در قبال این جابه‌جایی احساس مسئولیت کنند، به راحتی از آن عبور می‌کنند. این اتفاق بارها برای من رخ داده است. البته هیچ ایرادی به بازیگری که جایگزین من می‌شود، وارد نیست؛ چراکه او هم حق دارد مسیر خود را طی کند. ایراد و اشکال به نگاهی وارد است که بدون دلیل و منطق درست، این جایگزینی را انجام می‌دهد. امیدوارم هر کس بر اساس توانمندی‌اش نتیجه‌شود.

آیا مینا چیست و چگونه این وضعیت بهتر می‌شود؟

بازیگران و کارگردانان باید مینایشان اصل هنر بازیگری باشد. معیار و مقیاس هنر باشد و کیفیت یک کار هنری در اولویت باشد. این‌گونه افرادی در این حرفه بالا خواهند آمد که کیفیت بازی آنها بالاتر است و کسی که کیفیت بازی پایین‌تری دارد، تلاش می‌کند با بالا بردن مهارت و توانمندی بازیگری، به این کیفیت دست یابد. معیار و مقیاس باید توانایی انجام دادن و رسیدن به یک اثر هنری باشد، صرف فروش و درآمدزایی در یک فیلم، سریال یا تئاتر هدف نباشد.

آیا تاکنون وارد فضای آموزش و تدریس این رشته شده‌اید؟

پیشنادهایی داشته‌ام اما به دلیل مشغله‌های زندگی و کاری فرصت کافی برای آن پیدا نکرده‌ام. به‌شخصه این مسیر را هم دوست دارم و از این‌که بتوانم تجربه‌هایم را در اختیار هنرمندان تازه‌وارد بگذارم، خیلی خوشحال می‌شوم؛ امیدوارم روزی بتوانم وارد این فضا هم بشوم.

آیا نحوه ارتباط‌گیری با نوجوانان سریال فراری توضیح دهید که بازی با افراد کم‌سن و تازه‌کار چگونه بود؟

بچه‌های این مجموعه نوجوانان نازنینی بودند که طی تست‌های طولانی مدت توسط آقای تقی پور برگزیده شدند. اکثر آنها دوره دیده بودند و بازیگر صفر نبودند، ضمن این‌که آقای داسارگر و آقای تقی پور قبلاً کلی با آنها تمرین کرده بودند و نوجوانان سریال به نقش خود اشراف داشتند؛ در نتیجه سایر بازیگران با سابقه در ارتباط‌گیری با آنها مشکلی نداشتند.

آرزوی شما در حیطه شغلی خود و در امر بازیگری چیست؟

من آرزو دارم بتوانم همیشه بهترین خودم باشم و نقش‌هایی ماندگار بازی کنم که در یاد و خاطره مخاطب بماند.

آیا خودتان فردی احساساتی هستید و این احساساتی‌بودن چقدر در ایفای نقش تأثیر می‌گذارد؟

احساساتی‌بودن من باعث شده عمق بهتری از نقش را درک و در زمان اجرا آن را به میزان درست و به اندازه به نمایش درآورم. بازیگر باید بتواند لحظات مختلف در درک کند و آن را از درون دیالوگ‌ها بیرون بکشد و بک‌گراند حسی هر جمله را در نظر بگیرد. او باید بتواند در لحظه یک جمله را خوشحال بیان کند و بلافاصله جمله بعدی را اندوهگین و ناراحت. باید بتوان حس پشت جملات را باور و بازی کرد.

آیا تاکنون به این‌که تست گریم فانتزی یا وحشتناک برزید، فکر کرده‌اید؟

چند تن از گرمیورها این پیشنهاد را داده‌اند، ولی به جز گریم خاص خنده‌های آتوسا که چهره من در آنجا شیطنت اغراق شده و خاصی دارد، هنوز چنین چهره‌ای را تست نکرده‌ام.



بازگشت ستاره سینما به خانه

اگر این شب‌ها بیننده سریال فراری باشید، خبر دارید که در بخشی از قصه،

هادی علاقه‌مند به بازیگری می‌شود و سودای حضور در سینما را دارد. مثل هر نوجوانی که در این دوارن علایق مختلف را در سرودل می‌پرواند و به کارهای مختلف روی می‌آورد تا مسیر خود را پیدا کند. در سکانسی از سریال با این علاقه او شوخی جالبی میان شخصیت‌ها مطرح می‌شود.



روایت مستند

نابسامانی‌های اقتصادی

مجموعه مستند ۱۰ قسمتی «سرطان اجتماع» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی محسن اسلام‌زاده با مروری بر پرونده‌های مجرمانه اقتصادی، روند اختلال در سیستم راز، مرحله شکرگیری معضلات تارخوچی، همراه با انواع نابسامانی‌های اقتصادی در زندگی مردم به نمایش درمی‌آورد. اسلام‌زاده بیان کرد: برای تولید این مجموعه مستند پنج سال زمان گذاشتیم و می‌خواستیم اثری بسازیم که متفاوت با آثار قبلی در همین موضوع و دارای اثرگذاری باشد. همواره پیشنهادهایی برای ساخت مستندهایی درباره مفاصد اقتصادی وجود داشت اما انگیزه زیادی برای ساخت مستند نداشتم، چراکه احساس می‌کردم مستندهایی که تاکنون در این حوزه ساخته شده، غیرکاربردی بوده و تکرار دوباره آنها نمی‌تواند گهری از مشکلات اقتصادی که همه‌مان گریبانگیرش هستیم، بگشاید. چندی پیش یکی از مراکز پژوهشی کشور، نتایج تحقیقات خود درباره گلوگاه‌های تشکیل فساد در کشور را در گزارشی به شبکه مستند داد؛ از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که در این گزارش بررسی شده بود، عدم شفافیت، وجود تعارض منافع، ساختار اداری فسادخیز، کامل نبودن سامانه‌های نظارتی و... بود. زمانی که آن را مطالعه کردم احساس کردم می‌تواند بستر خوبی برای ساخت مستند باشد.



اجرا با عشق به امام حسین (ع)

رضا حبیبی که برای هشتمین سال پیاپی اجرای برنامه‌های رادیو محرم را بر عهده دارد، در پاسخ به این پرسش که آیا برای اجرای برنامه‌های رادیو محرم به تخصص خاصی نیاز است، عنوان می‌کند: و کار در

جایی که بناسط به معرفت افزایی مخاطب توامان با شور و شعور حسینی بیفزاید و برای شکل‌گیری یک الگوی عزاداری صحیح و مناسب برای امام حسین (ع)، حتما نیاز به تخصص هم در حوزه اجرا هم در شناخت واقعه عاشورا و مقاتل مختلف است که شاید هر گوینده‌ای از پس آن بر نیاید. فراتر از همه اینها کار در رادیو محرم علاوه بر

آنچه ذکر شد، یک عشق آسمانی هم می‌خواهد، عشق به حسین (ع). مجری رادیو محرم ادامه می‌دهد: تمام تلاشم این است که زمان اجرای برنامه واقعا انرژی بگذارم و قبل از این‌که برای اجرا وارد استودیو شوم، حتما مطالعه داشته باشم؛ کتاب‌هایی مثل حماسه حسینی استاد مطهری، خصائص الحسینیة، منتهی الامال و... را مطالعه می‌کنم. با توجه به بازخوردهایی که از همه افشار به دست ما می‌رسد، رادیو محرم از استقبال خوبی برخوردار بوده است.

